

به نام خدا

در برابر تاریکی

روایتی از سال‌های اسارت

www.ketab.ir

نویسنده:

داود گودرزی

ناران

سرشناسه	:	گودرزی، داود، ۱۳۳۸-۱۹۵۹، Davood, Goudarzi -
عنوان و نام پدید آور	:	در برابر تاریکی: روایتی از سال‌های اسارت / نویسنده داود گودرزی؛ ویراستار نجمه خادم.
مشخصات نشر	:	اصفهان: ناران، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری	:	۱۵۰ ص.
شابک	:	۹۷۸-۶۲۲-۸۴۸۵-۰۵-۸
وضعیت فهرست نویسی	:	فیبا
عنوان دیگر	:	روایتی از سال‌های اسارت.
موضوع	:	گودرزی، داود، ۱۳۳۸ -- خاطرات
موضوع	:	جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ - آزادگان - خاطرات
	:	Iran-Iraq War, ۱۹۸۰-۱۹۸۸ -- Released captives * - Diaries
	:	جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ - اسیران ایرانی - خاطرات
	:	Iran-Iraq War, ۱۹۸۰-۱۹۸۸ - Prisoners and prisons, Iranian - Diaries
رده بندی کنگره	:	DSR1۶۲۹
رده بندی دیویی	:	۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲
شماره کتابشناسی ملی	:	۹۶۷۲۱۹۵
اطلاعات رکورد	:	فیبا
کتابشناسی	:	

در برابر تاریکی

(روایتی از سال‌های اسارت)

نویسنده: داود گودرزی

ویراستار: نجمه خادم

طراح جلد: سیده لیلا کشمیری

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۸۴۸۵-۰۵-۸

انتشارات: ناران

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۳

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۱,۲۰۰,۰۰۰ ریال

آدرس: اصفهان، خیابان آبادانا اول، کوچه باغ توت، کوچه باغ کاج، کوچه هاشم‌زاده.

تماس: ۰۹۱۳۲۰۱۸۰۸۹، پیام‌رسان: ۰۹۳۶۹۴۵۹۱۲۴

اینستاگرام: **Nashrnaran**

سخن نویسنده

در نگاه اول، آزادی مفهومی است که به ذهن ما نشانه‌های خاصی می‌دهد؛ پرواز پرندگان در آسمان، باد ملایمی که پوستمان را لمس می‌کند و صدای خنده و شادی‌ای که در بین مردم به گوش می‌رسد، ولی آیا می‌دانید که برخی از ما، آزادی را با چه قیمت بسیار گران‌بهایی به دست می‌آوریم؟

ده سال اسارت و محرومیت، ده سالی که مرا از دنیای آزاد جدا کرده بود. در آن دوران، تمام دنیای من محدود به چهار دیوار زرد و رنگ‌پریده و صدای قفل و زنجیر اسارت بود. بدون هیچ امکاناتی و تنها میهمانان من، پرنده‌هایی بودند که هرازچندگاهی از آسمان اردوگاه می‌گذشتند و نغمه‌سرایی می‌کردند. زندگی‌ای پُر از شکنجه، گرسنگی، حقارت و حتی از ساده‌ترین امکانات زندگی برای هر انسان آزاد، محروم بودم. اما نهایتاً روزی رسید که درهای زندان باز شد. روزی که قدم به سوی آزادی برداشتم. دیدار با خانواده‌ام و دیگر عزیزانی که در این ده سال به خانواده‌ام اضافه شده بودند و برقراری ارتباط دوباره با جهان آزاد و همه این‌ها جزئیاتی بودند که ارزش واقعیت آزادی را به من نشان می‌داد.

آزادی درک عمیقی از لذت زندگی را به من هدیه داده بود. غذاهای

خوشمزه که از آن‌ها به هر اندازه می‌خواستیم می‌توانستیم بخورم. قدم زدن در خیابان‌ها، جایی که همهٔ انسان‌ها به هم پیوسته‌اند و هرکدام داستان و سرنوشت زندگی خودشان را دارند و مهم‌تر از آن، تماشای زندگی و خوبی‌ها و زیبایی‌هایی که در دنیا وجود دارند.

از آن روز به بعد، هر روزی که در آزادی زندگی کرده‌ام، به خودم یادآوری کرده‌ام که آزادی یک هدیهٔ بی‌قیمت است. آزادی حقی است که برای همهٔ انسان‌ها وجود دارد، ولی ممکن است برخی از ما آن را در زمان کوتاهی از دست بدهیم و بعد دوباره به آن دست بیابیم. آزادی‌ای که سرشار از حس خوشحالی و انرژی و آرامش درون است؛ آرامشی از جنس آزادی. احساسی که به همهٔ مردم دنیا بدون توجه به جنسیت، نژاد، ملیت و یا اعتقاداتشان تعلق دارد.

هرچند که این کتاب حاکی از تجربه‌های شخصی است، اما تلاشی است برای به اشتراک گذاشتن احساسات و تجاربی که در طول ده سال اسارت، درونم را فرا گرفته و احساسات و تغییراتی که در مسیر دست‌یابی به آزادی به دست آورده‌ام.

زندگی یک سفر بی‌پایان به سوی آزادی است. آزادی، آرمانی است که در هر ذرهٔ وجودمان به دنبال آن هستیم. آرزویی که در اعماق قلبمان وجود دارد و ما را به سوی آن هدایت می‌کند. آزادی، هم‌چون بادی است که بر دیاگرام

زندگی ما می‌وزد و ما را به بلندی‌های بی‌نهایت می‌برد. اما آزادی تنها به معنای فرار از زندگی و سختی‌ها نیست؛ بلکه در پیشرفت و رشد ما نهفته است. آزادی به معنای قدرت انتخاب و مسئولیت‌پذیری است و دستاوردی است که با قبول واقعیت‌ها، رهایی از زنجیرهای ذهنی و قدرت تصمیم‌گیری درست را به ارمغان می‌آورد. آزادی این امکان را برای ما فراهم می‌سازد تا به خواسته‌ها و آرزوهایمان پی ببریم و زندگی را به شکل آفرینشی و خلاقانه بسازیم.

در راه آزادی، قدرت تحمل نیز سنگ‌بنایی اساسی است که ما را قادر می‌سازد با چالش‌ها و مواجهات زندگی روبه‌رو بشویم. تحمل، نه تنها آموزه‌ای از صبر و استقامت است، بلکه مهارتی است که باعث می‌شود تا در مواقع دشوار و نامطلوب، همچنان به راه آزادی پایبند باشیم. یادگیری تحمل به معنای قدرت انعطاف‌پذیری در برابر تغییرات و استفاده از شکست‌ها به عنوان فرصت‌هایی برای رشد است. آنچه ما را از سایرین تمایز می‌دهد، توانایی مقابله با مشکلات و پیشروی در برابر موانع است.

به همین دلیل، آزادی و قدرت تحمل، عناصری هستند که با هم همراهی دارند. هنگامی که آزادی را به دست می‌آوریم، ممکن است با موانع و محدودیت‌هایی روبه‌رو شویم. در این لحظات، نیازمند قوه داخلی خودمان هستیم تا تحمل کنیم و به راه آزادی ادامه دهیم. برای رسیدن به آرمان

آزادی، باید قوی‌ترین اراده‌ها را درون خودمان به وجود آوریم تا توانایی تحمل و پیشروی را داشته باشیم.

آزادی وقتی که با چالش‌ها و موانعی همراه است، قدرت تحمل ما را آزمایش می‌کند و به ما این امکان را می‌دهد که درمقابل آن‌ها ایستادگی کنیم. قدرت تحمل نقشی بسیار مهم در مواجهه با مشکلات و موانع دارد و به ما کمک می‌کند تا به راه‌های جدیدی برای رسیدن به آزادی بپردازیم.

امیدوارم که این کتاب، یک منبع الهام‌بخش برای همهٔ مردم دنیا باشد که در هر صفحه، خوانندگان احساس کنند که آزادی چه معنایی دارد و چه قدر ارزشمند است. در زمینه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، به‌عنوان یک ناشر ایده و ارزش‌های آزادی شناخته شود. به امید روزهایی که همهٔ ما آزادی را درک کنیم و قدر آن بدانیم.

با آرزوی موفقیت و خوشبختی برای شما

داود گودرزی

آزاده‌ی ده‌ساله و جانباز پنجاه درصد

فهرست مطالب

۹.....	سلول
۲۱.....	سازمان اطلاعات و امنیت
۲۹.....	آمدن شانتل
۵۳.....	مرگ کودک
۵۶.....	عیدی
۶۶.....	رفتن شانتل
۸۲.....	علی عابد
۸۵.....	اسیران دروغین
۸۷.....	هندوانه
۸۹.....	کار اجباری
۹۳.....	بیگاری
۹۸.....	انبار اردوگاه
۱۰۱.....	کاغذ در اردوگاه
۱۰۵.....	حسن شیرازی
۱۱۴.....	سرهنگ
۱۱۸.....	افتخار
۱۲۴.....	آزادی

به نام خدا

امیرعلی جان، نوهٔ عزیزم... مدتی بیمار بودم. هنوز هم بعد از گذشت سال‌ها از اسارت، کابوس‌های شبانهٔ سلول، رهایم نمی‌کنند و با گذران عمر، بدنم طاقت تحمل بیماری‌ها را ندارد. ده سال اسارت و محرومیت گویی که تمام توان مرا بلعیده است و با کوچک‌ترین سرما و گرما دچار بیماری می‌شوم.

بعد از مدت‌ها بیماری که می‌گویند ویروس جدیدی به نام کرونا است، امروز حالم بسیار خوب است و نگرانی‌ها برطرف شده‌است. امروز به حیاط خانه رفتم. هر وقت که به گل زیبای رز که با هم در باغچهٔ خانه کاشته‌ایم و حالا بسیار بزرگ شده‌است، نگاه می‌کنم، به یاد تو می‌افتم و برایت از صمیم قلب دعا می‌کنم.

امروز چند ساعتی زیر نور آفتاب و جلوی باغچهٔ حیاط خانه بودم و به گذشته‌های دور فکر می‌کردم و ناخودآگاه با یادآوری خاطراتم تصمیم گرفتم که تعدادی دیگری از آن‌ها را که به ذهنم آمد، برایت بنویسم.

عزیزم، دوستت دارم. مواظب خودت باش.